

زادروز

تولدت مبارک بهرام پسر



مژده شمسایی

● داستان به‌دنیامدنت را بارها مادرت برایم تعریف کرده بود. شاید به بهانه‌ی من این خاطره‌ی خوش را با خودش مرور و انکار در زمان سفر می‌کرد. برق چشمانش و شوروشعف کلامش نشان از رضایت و غرور داشتن فرزندی چون تو بود. می‌گفت و می‌گفت تا می‌رسید به آنجا که عموهای از آران کاشان آمده بودند. اینجا که می‌رسید سادی در دلش غنج می‌زد، می‌خندید و صدایش می‌لرزد وقتی می‌گفت یکی از عموها با دیدن تو در گهواره در گتا گفته بوده: «بهرام پسر که زاده‌ی شیر استی» و دیگری ادامه داده: «میداست ز عارضش جهانگیر استی» و ناگهان سکوت می‌کرد. بغض را گلویی‌اش را می‌یست، با پشت خمیده دو دسته‌ی صندلی‌اش را می‌گرفت و جلو می‌آمد و حَمرِ می‌شد تا دستمال سفیدش که به دقت چهارلا شده بود را از روی میز بردارد و چشمانش را پاک کند.

قرار است این یادداشت به مناسبت تولدت در روزنامه‌ای چاپ شود که هرگز نمی‌خوانی. سال‌هاست به فشارش پِزشک روزنامه نمی‌خوانی و اخبار گوش نمی‌دهی. از آن زمان که ناتوانی از تغییر اخبار ناگوار روحت را بیمار کرده بود. پس ناچارم یادداشت را خودم برایت بخوانم همچنان‌که اخبار دیگر را گهگاه و جست‌وگریخته برایت نقل می‌کنم. یکی از ده خبر بدی را که با همه‌ی تلخی خیال می‌کنم بهتر است بدانی. اغلب اخبار بد را تند می‌گویم و می‌گذرم و سعی می‌کنم لابلای حرف‌ها و خبرهای دیگر زهرش گرفته شود تا کم‌تر آذیت شوی. گریه‌ی کوشش بیهوده‌ای است و بعد خودم را سرزنش می‌کنم که دیگر نمی‌گویم و این تکرار می‌شود و تکرار می‌شود چون انکار اخبار بد تمامی ندارد. ولی زادروز تو جزو اخبار خوش است. برای خیلی‌ها که تو را از نزدیک می‌شناسند و آنها که به‌واسطه‌ی کارهایت به تو نزدیک شده و دوستان‌دت شده‌اند. آنها که پیام‌ها و تلفن‌های پرهم‌ترتیک‌شان از چند روز پیش‌تر تا چند روز پس‌تر از پنج دی می‌رسد. آنها که وقتی زودتر زنگ می‌زنند می‌گویند می‌دانیم ترفیق تلفن این روزها سنگین است برای همین زودتر زنگ زدیم. مثل تبریک‌های سال نو از راه‌های دور که اغلب شب از تحویل سال گفته می‌شود. و تو که هرچه می‌گذرد سخت‌تر و کمتر از میز کار جدا می‌شوی و با مشغله‌ی کار زمان را گم می‌کنی یا اولین تلفن یا پیام می‌پرسی «مگر دی شده است؟ چرا یادشان مانده؟» جان من چطور یادشان برود که زادروز تو برای خیلی‌ها چون من ستایش خرد است و اندیشه. تقدیر کوشایی، و ممارست است. جشنِ پژوهش و جستجو است. تحسین بالندگی و شکوفایی. زادروزت یادآور داستان آقای حکمتی رگبار است و افسانه‌ی تارا. یادآور سفر دو پسرپچه است برای یافتن پدر و مادری نداشته و حقیقت و مرد دانا. یادآور هشتمین سفر سندنباد است و پهلوان اکبر. یادآور طومار شیخ شزین است و کارنامه‌ی بندار بیدخش. یادآور لایلا دختر ادیس است و اوفر. یادآور مسافرتانی است که قارت‌اجدا می‌شوند و را بیاورند برای عروسی و سرگذشت آیت در غریبه و مه. یادآور عیار تنهاست و دنیای مطبوعاتی آقای اسراری. یادآور خاطرات هنرپیشه‌ی نقش دوم است و سهراب‌کشنی. یادآور بانشو است و وقتی همه خوابیم. یادآور مصائب استاد نوید ماکان است و همسرش مهندس سیدفرید فرزین. یادآور آینه‌های وریور است و اشغال. یادآور آرش است و مجلس قربانی سنمار. یادآور دیوان بلخ است و کلاغ. یادآور پرده خانه است و مرک بزدگرد. یادآور شب هزارویکم است و سگ‌کشنی. یادآور فتحنامه‌ی کلات است و ندبه. مگر می‌شود اینها را فراموش کرد؟ مگر می‌شود ادبیات نمایشی و سینما و تئاتر ایران را بدون این آثار تصور کرد؟ مگر می‌شود پژوهش نمایش در ایران را از یاد برد یا هزار افسان کجاست را؟ این یادداشت قرار بود شخصی باشد؛ از طرف من به تو اما می‌خواهم چندتن را در این شادبایی به تو شریک کنم. دختر جوان شیرازی که هرسال پنج دیماه با پدرش به حافظه‌ی شیراز می‌رود با کتابی از تو و دیوان حافظ و با پدرش تولدت را اینچنین جشن می‌گیرند. گروه جوانانی که در خراسان گرد هم می‌آیند و نمایشنامه‌ای از تو را می‌خوانند و تحلیل می‌کنند و پنج دی بر یک تولد برایت شمع روشن می‌کنند. جوانی که هرسال از کهگیلویه پیام تبریک می‌فرستد و آن دیگری از اهواز که دوستدار تاتر است. آنکه از تبریز پیام می‌فرستد و می‌گوید بارهاویارها آثار تو را خواندن، زندگی‌اش را زیور کرده. و آنها که در کوه آرزو داشتند با تو کار کنند و نشد که بشود. و همچنین البته شریک می‌کنم نیلوفر و نگار و نیاسان فرزندان‌دت را. نازنینم خوشا به حال تو که در زمانه‌ی تلخی‌ها و زشتی‌ها، کینه‌ها و نفرت‌ها، خشم‌ها و انتقام‌گرفتن‌ها، زادروزت بهانه‌ای است برای شادی. خوشا به حال تو که در دین بیشماری از مردمان سرزمین به نیکی جای داری و سربلندی که همواره ارزش‌های انسانی را پاس داشته‌ای و جز بزرگی و سرفرازی سرزمین و مردمانش نخواستی و عمر در این راه گذاشته‌ای. حالا می‌توانم خیال کنم که مادرت در آن چنددقیقه سکوت به چه فکر می‌کرد... تولدت مبارک بهرام پسر!

شرق: «دل دیوانه»، نهمین اثر سینمایی بهمن فرمان‌آرا، پنجشنبه، دوم دی در شهرستان رامسر استان مازندران کلید خورد و در نخستین روز فیلم‌برداری، بهمن فرمان‌آرا و فاطمه معتمدآریا در مقابل دوربین فرشاد محمدی حاضر شدند.

نهمین ساخته بهمن فرمان‌آرا که تهیه‌کنندگی و نگارش فیلم‌نامه آن را نیز خود برعهده دارد، ماجرای نویسنده‌ای است که پس از ترک آسایشگاه روانی متوجه دگرگونی‌ها و تغییرات جهان اطرافش شده و بر پربشانی‌های درونی‌اش افزوده می‌شود.

در «دل دیوانه» به‌جز بهمن فرمان‌آرا و فاطمه معتمدآریا، لایلا حاتمی، علی نصیریان، علی مصفا، رویا نونهالی، صابر ابر، مریم یوبانی، یانته آبناهی‌ها و کامیار فرجاد به ایفای نقش می‌پردازند. عواملی که در این فیلم، فرمان‌آرا را همراهی می‌کنند عبارتند از:

جانشین تهیه‌کننده و مجری طرح: ماهان

دیا میرزا در گفت‌وگو با «شرق»

به شکل جدید ابراز عشق رسیدم



عکس: حسن هندی

فرانک آرتا: سفر سه‌روزه و فشرده «دیامیرزا»، بازیگر بالیوودی، به ایران فرصت گفت‌وگوی مفصل را با او فراهم نکرد؛ باین‌حال در نشست مطبوعاتی‌ای که برای فیلم «سلام بمبئی» برپا شد، او در کنار محمدرضا گلزار، قربان محمديور (کارگردان فیلم) و جواد نوروزبیگی حضور یافت و به سؤالات خبرنگاران پاسخ داد. فیلم «سلام بمبئی»، نمونه‌ای مثال‌زدنی از یک فیلم تجاری مبتنی‌بر آموزه‌های سینمایی‌مان نیست؛ اما قطعا در مقایسه با «من سالوادور نیستم» فیلم بهتری است. «سلام بمبئی» آینه تمام‌نمای یک سینمای هند هستند. «سلام بمبئی» را قربان محمديور کارگردانی کرده. این فیلم به چند دلیل، تاکنون فروش خوبی داشته؛ یکی حضور محمدرضا گلزار، سوپرستار اول سینمای ایران و بازی دیامیرزا که هر چند ستاره نخست سینمای هند نیست، اما به‌عنوان یکی از بازیگران پرطرفدار سینمای هند جایزت خاصی دارد.

ضمن اینکه فعالیت او در قامت تهیه‌کننده سینما در هند، در صورت تداوم همکاری ایران با سینمای هند حتما می‌تواند برکاتی برای سینمای ایران داشته باشد. دیگر اینکه قصه فیلم جایزت ازسلی – ابدی است – چراکه اصولا داستان‌های عشقی هیچ‌وقت بی‌طرفدار نبوده و نیستند، اختصاص سالن‌های مناسب و... به هر شکل بازیگر هندی که ریشه‌های آلمانی هم دارد، برای مخاطبان ایرانی کنج‌گوارانگیز است. ضمن اینکه بازیگر زن خارجی در این سطح از بعد از انقلاب تاکنون به ایران سفر نکرده است. دیامیرزا، بازیگر هندی نقش کرمشا در فیلم «سلام بمبئی» که از سال ۱۹۹۹ وارد عرصه بازیگری شده، در بیش از ۴۰ فیلم هندی نقش آفرینی کرده است. او تاکنون جوایز متعددی دریافت کرده و در سال‌های

آخر شرکت فیلم‌سازی تاسیس کرده و بیشتر در زمینه تهیه فیلم فعالیت می‌کند. در ادامه هم سه سؤالات اختصاصی روزنامه «شرق» مطرح شد که البته قبل از دیامیرزا، با پاسخ‌هایی از سوی محمدرضا گلزار همراه بود.

آ از فیلم «سلام بمبئی» انتظار داشتیم که خارج از نگاه مرسوم سینمای هند داستانش را بازگو کند؛ اما به نظر حق اگر سانسور اجازه می‌داد صحنه‌های هندی‌تر هم می‌دیدیم. با توجه به اینکه آقای گلزار اعتقاد داشتند این نوع همکاری طرحی نور سینمای بدنه است. اگر این روند ادامه پیدا کند باز هم در آن چرخه نمی‌افتیم که فیلمی ساخته‌شده و نتوانسته طبقه تحصیل‌کرده و روشنفکر جامعه را جذب کند؟ گلزار: در هالیوود سالانه ۸۰۰،۷۰۰ فیلم ساخته می‌شود و هفت، هشت فیلم هستند که سروسو صد می‌کنند. هر سینمایی در دنیا به ژانرهای مختلف نیاز دارد.

آ اما همان سینمای تجاری هم دستکم از روایط علت و معلولی تبعیت می‌کند!

گلزار: از او مال هم گفتیم فیلم تجاری آبرومند ساختیم؛ یعنی فیلمی در قالب فضای روشنفکری ارائه ندادیم؛ قرار هم نیست این فیلم نظر آدم‌های روشنفکر را جلب کند.

آ در سینمای هند با تمام احترامی که برای آن قائل هستیم، اغلب شکلی از سینما هم وجود دارد که برای مثال از یک سو تکه جوبی پرتاپ می‌شود و از دیگر سو معلق در هوا در اتاق عملی فرود می‌آید و در بدن بیمار حین عمل جراحی جای می‌گیرد و در نهایت تبدیل به قلب واقعی می‌شود و بیمار متحضر، عمری دوباره می‌گیرد!

گلزار: همه می‌دانیم که چنین فیلم‌هایی هم وجود دارند، من دوستان هندی‌ای دارم که ساعت‌ها با هم

آغاز «دل دیوانه» بهمن فرمان‌آرا در رامسر



حیدری، دستیار اول کارگردان و برنامه‌ریز؛ مانفرد اسماعیلی، مدیر فیلم‌برداری؛ فرشاد محمدی، مدیر صدا‌برداری؛ ساسان نخعی، طراح صحنه؛ کیوان مقدم، طراح لباس؛

سارا سیمعی، طراح چهره‌بردازی؛ مهرداد میرکبانی، مدیر تولید؛ وحید مشاری، تدوینگر؛ عباس گنجوی، آهنگ‌ساز؛ احمد پژمان، مدیر تدارکات؛ جواد راهزانی، منشی صحنه؛ غزل رشیدی، طراح تیتراژ و لوگو؛ ساعد مشکی، عکاس؛ مسعود اشتری، تصویربردار

دستیاران تولید: مینا تیموری و سعید مسرور، دستیاران فیلم‌بردار؛ محسن زهی، مهران فتحی، همایون خاکی، آنگینه ایسایان‌س و پارسا مجد، مسئول فنی

دوربین: محمدمحسن هادوی، صدا‌بردار؛ محمود کاشانی، دستیاران صحنه؛ سیدرشید حسینی، ابراهیم

ناصری و فرشاد مهدیادگار، دستیار لباس؛ سهیلا فرهادیانی، مجریان گریم؛ محسن صالحی و رکسانا نیک‌پور، دستیاران تدوین؛ سینا گنجوی و شساره ارسن، سبینه‌موبیل؛ رضا پیروی، حمل‌ونقل؛ احسان مشککی‌باف، نواب جعفری، مصطفی اسرافیل‌پور، حسین کیانی، احمد قربان‌پور، احسان میقانی و امیر میقانی، همیار تدارکات؛ ماشا‌الله ملکی و محمد فلاح و آشپز: جلال لیمویی.

پیش‌بینی می‌شود فیلم‌برداری «دل دیوانه» که در دومین روز زمستان آغاز شده، تا نیمه‌های این فصل ادامه داشته باشد. این فیلم از سوی عباس گنجوی به طور هم‌زمان تدوین می‌شود.

گفتنی است علاقه‌مندان به پیگیری اخبار «دل دیوانه» می‌توانند صفحات رسمی این فیلم در شبکه‌های اجتماعی تلگرام و اینستاگرام را به آدرس @deldivanefarmanara دنبال کنند.

۳۵ اثر فراتر از صد میلیون تومان فروخته شد

رکوردهای متفاوت در شب کیارستمی



عکس: آیین قشاقی

رامین شیردل هنرمند ۳۵ساله با نام «عشق سفید» ۱۶۰ میلیون تومان، مجسمه تکن‌سخه‌ای از امیرمسعود اخوان‌جم هنرمند ۴۷ساله با عنوان «بروانه» ۱۳۰ میلیون تومان، اثری از زنده‌یاد تولک اسماعیلی (مش‌اسماعیل) ۱۲۰ میلیون تومان، اثری از زنده‌یاد محمدعلی ترقی‌جاو ۱۲۰ میلیون تومان، نقاشی بدون عنوان سالته‌ای سیاه و سفید آفشین پیرهاشمی ۱۲۰ میلیون تومان، نقاشیخط اثرنگ علی شیرازی با عنوان سوره حمد ۱۱۰ میلیون تومان، نقاشی مهرداد محب‌علی ۱۱۰ میلیون تومان، مجسمه‌ای از ژازه تباتبایی ۱۱۰ میلیون تومان، مجسمه‌ای از محمدحسین عماد ۱۰۰ میلیون تومان و نقاشیخط رضا رینه‌ای ۱۰۰ میلیون تومان چکش خوردند.

در ششمین حراج تهران ۲۲ اثر بالاتر از ۵۰ میلیون تومان به فروش رسیدند؛ نقاشی ایران درودی ۹۵ میلیون تومان، دو نقاشی از ناصر اوقسی و رکنی حانری‌زاده هریک ۹۰ میلیون تومان، دو نقاشی از پروانه اعتمادی و واحد خاکدان هریک ۸۵ میلیون تومان، نقاشیخط صداقت جباری ۸۰ میلیون تومان، اثری از کامبیز شریف ۷۵ میلیون تومان، اثری از علیرضا کرمی ۷۰ میلیون تومان، دو اثر از پری پوش گنجی و علیرضا آستانه‌یاد هریک ۶۵ میلیون تومان، پنج اثر از مهدی سحابی، بهمن جلالی، فرشید متقالی، محمد زرگی و عین‌الدین صادق زاده هریک ۶۰ میلیون تومان، شش اثر از محمود سبزی، احمد مرشدلو، مهرداد صدری، حامد رشتیان، آزاده زراق‌دوست و رضا کیانیان هریک ۵۵ میلیون تومان و نقاشی علی فرامزی ۵۰ میلیون تومان چکش خوردند.

در ششمین حراج تهران ۴۲ اثر بالای ۲۰ میلیون تومان چکش خوردند؛ چهار اثر طاهره صمدی‌طاری، هادی جمالی، لیلی طاهری و خسرو حسن‌زاده هریک ۴۶ میلیون تومان، کوروش کلناری ۴۴ میلیون تومان، پنج اثر از یعقوب امدادیان، عبدالرضا قماشچی، امیر موبد، شهبلا حبیبی و حامد

صدرارحامی هریک ۴۲ میلیون تومان، بیتا وکیلی ۴۰ میلیون تومان، دو اثر نیما پتگر و همایون سلیمی هریک ۳۸ میلیون تومان، دو اثر عبدالعجید بازوکی و علی‌گلستانه هریک ۳۶ میلیون تومان، غازی سعید صادقی از سال‌های دفاع مقدس و مجسمه‌ای از کامبیز صبری هر یک ۳۴ میلیون تومان، هفت اثر از گیزلا وارگا سینیایی، فریدون امیدی، شادی قدیریان، محمود بخشی، سمیرا علیخانزاده، بهداد لاهوتی و ۹۳ اثر در ششمین حراج تهران بالای ۲۰۰ میلیون تومان، دو اثر نیما پتگر و همایون سلیمی هریک ۳۸ میلیون تومان، نقاشی سه‌لته‌ای غازی جوب ۳۴۰ میلیون تومان، اثر منیر فرانفرمایان، با عنوان «در ستایش موندریان» ۳۰۰ میلیون تومان و نقاشی رضا درخشانی با عنوان «عشق در همه‌جا» از مجموعه مینیاتور ۳۰۰ میلیون تومان به فروش رسیدند.

نقاشی «تاراز» کوروش شیشه‌گران ۳۴۰ میلیون تومان، اثر دولته‌ای «سوسو» پویا آریان‌پور هنرمند ۴۵ساله با تکنیک آینه‌کج و شیشه رنگ‌شده روی جوب ۳۴۰ میلیون تومان، اثر منیر فرانفرمایان، با عنوان «در ستایش موندریان» ۳۰۰ میلیون تومان و نقاشی رضا درخشانی با عنوان «عشق در همه‌جا» از مجموعه مینیاتور ۳۰۰ میلیون تومان به فروش رسید.

در این شب ۱۴ اثر دیگر هم صدمیلیون تومان را پشت سر گذاشتند؛ نقاشی قاسم حاجی‌زاده ۱۸ میلیون تومان، نقاشی از لیلی متین‌دفتری ۱۷۰ میلیون تومان، اثر دیگری از منیر فرانفرمایان ۱۷۰ میلیون تومان، نقاشی با عنوان «فرا بوعلی...» شهربار احمدی هنرمند ۳۷ساله ۱۶۰میلیون تومان، اثری از

زیر آسمان فیروزهای

در نمایش‌نامه‌خوانی شب هزارویکم

زادروز بهرام بیضایی سخنرانی ناصر تقوایی



● شرق: در زادروز بهرام بیضایی، یکشنبه پنجم دی، ۹۵، نمایش‌نامه «شب هزارویکم» با حضور ویژه ناصر تقوایی در تئاتر شهر نمایش‌نامه‌خوانی می‌شود. این برنامه به کارگردانی هادی سروری اجرا می‌شود که سه نقش‌خوان و سه نوازنده در این اجرا حضور دارند. ناصر تقوایی به تماشای اجرا می‌نشیند و دقایقی هم درباره آثار بیضایی صحبت خواهد کرد. شهاب الهیچی از دیگر مهمانان این اجرا خواهد بود. تاکنون هشت نمایش‌نامه از آثار بیضایی این سوی سروری نمایش‌نامه‌خوانی شده است. این اجرا یکشنبه، پنجم دی ساعت ۱۸، در تالار مشاهیر مجموعه تئاتر شهر برگزار می‌شود.

اختتامیه نمایشگاه «ژازه»

با پرفورمنس «محسن حسینی»



● شرق: اختتامیه نمایشگاه ژازه تئاتبایی با پرفورمنس «صیافت ژازه» با هنرمندی «محسن حسینی»، بازیگر تئاتر ایران خاتمه خواهد یافت. محسن حسینی که دانش‌آموخته تئاتر، درام و ارتباطات از دانشگاه یوستوس لیپیک گیسن آلمان است، این بار شیفته‌ی‌اش را نسبت به آثار نقاشی و مجسمه‌های ژازه تئاتبایی، در پارتیتئوری از مولتی‌مدیا، رقص یا خطابه نمایشی (Lecture performance) ساعت ۱۸ روزهای جمعه و شنبه ۱۰ و ۱۱ در گالری شهرویز به نمایش می‌گذارد. حسینی، میهمان شرکت‌کننده در این صیافت را به مشارکت و هم‌نواری و هم‌بازی‌شدن در این پرفورمنس دعوت می‌کند؛ زیرا به گفتار بی‌پدیل ژازه تئاتبایی، در حیطه هنر پرفورمنس، رویداد، رخدادهای ناگهانی و به عبارتی هنر ناگهانی حرف اول را می‌زند. علاقه‌مندان می‌توانند به گالری شهرویز به نشانی الهیه، خیابان خزر شمالی، بی‌ست هرمز، پلاک ۹ مراجعه کنند. ورود برای علاقه‌مندان آزاد است.

رونمایی از کتاب

«روزگار برزخی معماری ما»

● کتاب «روزگار برزخی معماری ما» به قلم علی اعطا با سخنرانی سیدمحمد بهشتی و جمعی از معماران معاصر در خانه گفت‌مان هنر و معماری (خانه وارطان) رونمایی می‌شود. به گزارش خبرنگار پایگاه خبری وزارت راه و شهرسازی، مراسم رونمایی از کتاب روزگار برزخی معماری ما به قلم علی اعطا و با مقدمه‌ای از سیدمحمد بهشتی، رئیس پژوهشکده میراث فرهنگی، یکشنبه پنجم دی، از ساعت ۱۷:۳۰ تا ۲۰ در خانه گفت‌مان شهر و معماری (خانه وارطان) برگزار می‌شود. مجموعه مقاله‌ها و نوشته‌های علی اعطا در نشست معماری، نقد و رسانه با حضور سیدمحمد بهشتی، رئیس پژوهشکده میراث‌فرهنگی، سیدعلیرضا قهقاری، رئیس انجمن مفاخر معماری ایران، نشید نیان، بابک شکوهی و علی اعطا، از معماران معاصر، حضور در این نشست می‌توانند یکشنبه پنجم دی از ساعت ۱۷:۳۰ تا ۲۰ به خانه وارطان (خانه گفت‌مان هنر و معماری) به نشانی خیابان طالقانی‌غربی، قبل از میدان فلسطین، خانه گفت‌مان شهر و معماری (خانه وارطان) مراجعه کنند. حضور برای علاقه‌مندان از این نشست آزاد است. در بخشی از مقدمه کتاب روزگار برزخی معماری ما که سیدمحمد بهشتی نگاشته، آمده است: کتاب اخیر، کوششی خسته در مسیر نقد است، اما به نقد اکتفا نکرده با دست‌کم نقدی نیست که محدود به نقد دغدغه‌های اهل حرفه باقی بماند و شیوه بیان آن به‌ترتیبی است که خطایش به عموم جامعه است. امیدوارم این کتاب و آثاری از این دست به ما کمک کند که نعتها ببینیم و بشنویم و طرفدار کیفیت شویم، بلکه در مطالبه کیفیت به سطوح نازل آن پسندیده نکنیم و طرفدار آن عطر و طعمی در معماری و شهر شویم که قرار و آرام را به دل و جان ما هدیه دهد.

انتشار آلبوم موسیقی «راز آشکارا»

● بهنام موحدان (پندار): میلاد کیانی، آهنگ‌ساز و نوازنده پیش‌کسوت سنتور کشور ازجمله موسیقی‌دانانی است که مختصات زندگی و آفرینش‌های هنری‌اش همراه با نظمی خاص، تفکری نو و وابسته به اصالت‌های فرهنگی و خاصه‌های هنری و سنت‌های تاریخی کشور بوده و هدفمند است. تازه‌ترین اثر موسیقایی وی پس از ۲۰ سال سکوت با نام «راز آشکارا» منتشر شد. راز آشکارا اثری متفاوت و خلاقانه با ابداعاتی درخصوص نحوه تنظیم، تکنیک‌های نوازندگی و کوک ساز در سنتورنوازی معاصر کشور است که از جهات فنی و هنری درخور بررسی و تحلیل دارن و... حضور آلبوم موسیقی سه‌شنبه، هفتم دی، ساعت ۱۷ در فرهنگ‌سرای ارسباران و با حضور ایشان به همراه نازنین پدر تانی نوازنده تنبک اثر و مدیرعامل مؤسسه راد نواندیش و تهیه‌کننده اثر و تئو چند از هنرمندان و استادان و کارشناسان موسیقی کشور برگزار می‌شود.